

The Effect of the Teachings of the Ahl al-Bayt (AS) on the Linguistic Output of the People of Bayhaq (Sabzewar)¹

Fershteh Kushki^{*}

Mohsen Alwiri^{**} **Zahra Ruhollahi Amiri**^{***}

(Received: 12/04/2021; Accepted: 26/08/2021)

Abstract

The biosociality of human beings is influenced by their thought and culture. From the very beginning, the people of Bayhaq were devoted to the Ahl al-Bayt (AS) and Shiism. The centrality of the Imams (AS) in Shiite thought has always included many social implications that have affected various aspects of people's lives. To understand the social history of any region or nation, we need to examine the social components in that region. Linguistic output is one of the components of social history and is examined in five categories: names and titles, call to prayer, catchphrases, lamentation, elegy and poetry. This research has been done based on library sources in the scope of Bayhaq and in the period of the arrival of Islam until the tenth century. Reports show that in the Bayhaq region and in the pre-Safavid period, the mentioned components were very much influenced by the teachings of the Ahl al-Bayt (AS).

Keywords: Doctrines of Ahl al-Bayt (AS), Linguistic Input, Bayhaq, Biosocial, Literature.

1. This article is taken from: Fereshteh Kushki,, "The Influence of the Teachings of the Ahl al-Bayt (AS) School on the Social Life of the People of Sabzewar until the End of the Ninth Century A.H.", 2022, PhD Thesis, Supervisor: Mohsen Alwiri, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

* PhD Student in the History of the Ahl al-Bayt (AS), Bint al-Huda University under the Auspices of the Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author), f.kooshki46@gmail.com.

** Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Baqir al-Olum University, Qom, Iran, alwiri@bou.ac.ir.

*** Assistant Professor of History, Baqir al-Olum University, Qom, Iran, z.rooholahiamiri@bou.ac.ir.

تأثیر آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) بر آورده‌های زبانی مردم بیهق (سبزوار)^۱

فرشته کوشکی *

محسن الویری ** زهرا روح‌اللهی امیری ***

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۴]

چکیده

زیست اجتماعی انسان‌ها متأثر از اندیشه و فرهنگشان است. مردم بیهق از همان ابتدا ارادتمند اهل بیت (علیهم‌السلام) و شیعه‌مذهب بودند. محوریت ائمه (علیهم‌السلام) در اندیشه شیعی همواره دربردارنده دلالت‌های اجتماعی بسیاری است که بر جنبه‌های مختلف زیستی مردم تأثیرگذار بوده است. برای شناخت تاریخ اجتماعی هر منطقه یا ملت نیازمند بررسی مؤلفه‌های اجتماعی در آن منطقه هستیم. آورده‌های زبانی یکی از مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی است. آورده‌های زبانی در پنج آورده نام‌ها و القاب، اذان، تکیه‌کلام، نوحه، مرثیه و شعر بررسی شده است. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای در محدوده بیهق و در دوره زمانی ورود اسلام تا قرن دهم انجام شده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد در منطقه بیهق و در دوران قبل از صفویه، مؤلفه‌های یادشده بسیار متأثر از آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده است.

کلیدواژه‌ها: آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)، آورده‌های زبانی، بیهق، زیست اجتماعی، ادبیات.

۱. برگرفته از: فرشته کوشکی، تأثیرگذاری آموزه‌های مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) بر زندگی اجتماعی مردم سبزوار تا پایان قرن نهم هجری، رساله دکتری، استاد راهنما: محسن الویری، دانشگاه باقرالعلوم (علیهم‌السلام) قم، ایران، ۱۴۰۰.

** دانش‌آموخته دکتری تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام) دانشگاه بنت‌الهدی زیر نظر جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) f.kooshki46@gmail.com

*** دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم (علیهم‌السلام) قم، ایران alviri@bou.ac.ir

*** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه باقرالعلوم (علیهم‌السلام) قم، ایران z.rooholahiamiri@bou.ac.ir

مقدمه

در این پژوهش به تأثیر آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) بر زیست اجتماعی مردم بیهق تا قرن دهم بر اساس یکی از مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی می‌پردازیم. بخش عظیمی از واقعیت تاریخ اجتماعی در «آورده‌های زبانی» نهفته است (الویری، ۱۳۹۸: ۱۶۰). زبان مهم‌ترین راه ارتباطی انسان‌ها است. بشر از همان ابتدا برای بیان نیازهایش از زبان استفاده می‌کرد. با گذشت زمان و رشد اجتماعی انسان‌ها، دامنه زبان گسترش یافت و هر ملتی برای بیان باورها و اندیشه‌هایش از واژه‌هایی خاص استفاده کرد، به گونه‌ای که گاه این واژه‌ها می‌توانست خاص ملت یا قومی باشد. گاه این واژه‌ها برخاسته از نوع زندگی، رفتار، اندیشه‌ها و باورهای مردم است که سال‌ها سینه به سینه به نسل‌های بعد منتقل شده است. در تاریخ اجتماعی، ما با واحدهای معنایی و واژگانی سر و کار داریم که به گونه‌ای متأثر از زیست اجتماعی است. در اسلام، به‌ویژه در تشیع، برای تمامی اعمال انسانی دستورهایی وجود دارد. آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) مملو از آورده‌هایی است که در زندگی روزمره شیعیان استفاده می‌شده است. آشکال استفاده از زبان بسیارند. در این مبحث به آن دسته از قالب‌های زبانی اشاره می‌کنیم که آورده بیشتری برای شناخت تاریخ اجتماعی داشته باشند. پیشینه تاریخ اجتماعی به این گونه قدمت چندانی ندارد. پیش از این بیشتر تاریخ سیاسی در میان مورخان مطرح بود. ولی در منابع تاریخی پیشین نیز به محورها، مؤلفه‌ها و موضوعات محل توجه در دانش اجتماعی کم و بیش توجه داشته‌اند. مؤلفه‌هایش را می‌توان در کتاب‌های جغرافیایی، اشعار، حکایت‌های تاریخی، ضرب‌المثل‌ها، کتاب‌های فقهی و ... یافت. این پژوهش نیز از همین منابع بهره گرفته است. تاریخ بیهق نوشته ابن فندق و کتاب‌های اشعار شعرای بیهقی از جمله آنها است. آورده‌های زبانی مردم این منطقه در قالب اسم، لقب، مرثیه، نوحه و شعر از همان ابتدا تحت تأثیر آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده است. درباره برخی از مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی و در مناطق مختلف تحقیقاتی صورت گرفته، اما در این منطقه با مطالعاتی که صورت گرفت پژوهش مستقلی در این زمینه یافت نشد. قبل از بررسی مؤلفه‌ها، شناخت مختصر منطقه بیهق مفید می‌نماید.

جغرافیای تاریخی بیهق

کلمه «بیهق» از «بیه» و «بهین» به معنای بهتر گرفته شده است (معین، ۱۳۶۲: ۳۱۴/۵). «بیهق» ناحیه‌ای است از توابع نیشابور؛ قصبه‌اش ابتدا خسروجرد (خسروگرد) بود و بعد از آن به سبزوار تغییر یافت. مردم این شهرستان از سده‌های نخستین اسلام، شیعه دوازده‌امامی بوده‌اند. بسیاری از

بزرگان علم و ادب از این منطقه برخاسته‌اند. بیهق از شهرهای حاصل خیز و پُررونق در قرن چهارم هجری است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۶۵/۲). ولایت بیهق را به ادبایش نسبت می‌دهند (ابن‌فندق، ۱۳۱۷: ۲۸). در سال سی‌ام هجری به دست عبدالله بن عامر بن کُریز مسلمان شدند (همان: ۲۶، ۶۶، ۶۷). بعد از فتوحات، این منطقه تحت سلطه امویان و عباسیان اداره می‌شد و بعد از آن تحت حاکمیت حکمرانان خراسان قرار داشت (همان: ۷۰).

در دوره ایلخانان به دلیل ظلم و تعدی‌شان به رهبری عبدالرزاق سربرداری، اولین حکومت محلی شیعی امامی در این منطقه تأسیس شد. این حکومت ۵۰ سال به طول انجامید (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳۸۸). بیهق به دلیل قرارگرفتن بر سر راه اصلی تجاری و برخاستن اشخاص نامداری از آن و به دلیل اینکه از مراکز تشیع در ایران بود، از لحاظ موقعیت راهبردی اهمیت بسیار داشت. بیهق بر سر راه اصلی ری به نیشابور بود (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۶۹-۱۷۱). از لحاظ اقتصادی نیز سرزمینی حاصل خیز و غنی بوده است (بیهقی، ۱۳۷۶: ۵۵۶/۱). هم‌مرزی با ترکان و نبرد با آنان، قراردادستن در مسیر جاده تجاری ابریشم، قرارگرفتن در مسیر حج از ماوراءالنهر تا عربستان (جعفریان، ۱۳۸۹: ۲۴۹ و نقشه شماره یک، ص ۷۲۳) از عوامل مهم در موقعیت این منطقه بود.

گسترش تشیع در بیهق حاصل کارکرد عوامل، و کنش نیروهای مختلفی بوده است. سیاست حاکمان خراسان و اوضاع و احوال سیاسی اقتصادی بیهق، نقش مهمی در گسترش تشیع در این منطقه داشت. ریشه‌های تشیع در بیهق را باید در قرن‌های اول جست‌وجو کرد. حضور یحیی بن زید در بیهق از نخستین نشانه‌های گرایش به تشیع در این منطقه است (ابن‌فندق، ۱۳۱۷: ۴۶). یحیی بن زید در سال ۱۲۶ ه.ق.، بعد از فرار از عراق، به بیهق رفت. بسیاری از شیعیان، اطرافش جمع شدند (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۳۳۲/۲). حضور امام رضا (علیه‌السلام) در خراسان و گسترش آموزه‌های ایشان در این مناطق، حضور قنبر غلام علی (علیه‌السلام) و نسل ایشان در این شهر به نام خاندان سلیمان (ابن‌فندق، ۱۳۱۷: ۲۵) و مهاجرت سادات به ایران در قرن دوم و سوم، به‌ویژه به منطقه بیهق، از دیگر عوامل گسترش تشیع در این منطقه است (همان: ۶۰، ۶۱، ۶۳؛ جعفریان، ۱۳۹۴: ۳۶۷/۱).

در قرن پنجم و ششم حضور سادات آل زبارة در بیهق و مهاجرتشان از نیشابور به این منطقه را می‌توان یکی از عوامل مهم در گسترش تشیع در این منطقه دانست (رضایی برجکی، ۱۳۹۹: ۱۰۰-۱۰۱). حضور خاندان تمیمی سبزواری و مهاجرت ابن‌ابی‌الطیب مرحله‌ای دیگر از روند شکل‌گیری تشیع در منطقه است. در قرن هفتم، یاقوت حموی در معرفی مذهب اهالی سبزواری تأکید می‌کند که: «فالغالب علی اهلها مذهب الرافضیة الغلاة» (یاقوت حموی، ۱۴۱۰: ۵۳۸/۱). حمدالله مستوفی،

تأثیر آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) بر آورده‌های زبانی مردم بی‌هق (سبزوار) / ۵۱

در قرن هشتم، در نزهة القلوب درباره بی‌هق می‌گوید: «مردم آنجا شیعه اثنا عشری‌اند» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۵۰). در قرن هشتم گسترش تشیع صوفی را در این مناطق می‌بینیم. شکل‌گیری اولین حکومت شیعی امامی سربداران در بی‌هق در این دوران نشان‌دهنده گسترش و ثبات تشیع در این منطقه است. در قرن هشتم و نهم، در گسترش اندیشه شیعی می‌توان به شعرای شیعی این دوران اشاره کرد. در بخش شعرا اسامی‌شان ذکر خواهد شد. در این دو قرن ادبیات شیعه رشد کرد و گسترش فراوان یافت.

نام‌ها و القاب

«نام»، لفظی است که به آن کسی یا چیزی را بخوانند (معین، ۱۳۶۲: ۴/۴۶۱۲؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۳/۱۹۶۵۳). «لقب»، نامی است که دلالت بر مدح یا ذم شخص دارد (معین، ۱۳۶۲: ۳/۳۶۱۰؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲/۱۷۴۱۷). در میان عرب‌ها لقب مرسوم نبوده و آوردن القاب مخصوص عجم بوده است. عرب‌ها از کنیه استفاده می‌کردند (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲/۱۷۴۱۷). نام‌ها عموماً برگرفته از فرهنگ هر جامعه‌ای هستند. نام‌هایی که یک ملت بر فرزندان، روستاها، خیابان‌ها، محل‌های کسب و کار و شرکت‌ها و مؤسسات می‌نهند، برگرفته از اندیشه‌ها، باورها و تمایلات آن مردم به رویکرد فکری یا سیاسی آن منطقه است. بررسی این نام‌گذاری‌ها خود نشان‌دهنده تفکرات و اندیشه‌های آن ملت است. از باب نمونه، اسم‌هایی که ایرانیان قبل از اسلام بر روی فرزندان‌شان می‌گذاشتند با پس از آن متفاوت است. در میان مسلمانان اسم‌هایی که شیعیان برای فرزندان‌شان انتخاب می‌کنند با اهل سنت متفاوت است. در ایران اسامی‌ای که قبل از انقلاب بر روی فرزندان گذاشته می‌شد با بعد از انقلاب متفاوت است. همچنین، اسامی در دوره‌هایی که اندیشه ملی‌گرایی و تجدیدگرایی رواج دارد با دوره‌هایی که روحیه مذهبی و انقلابی رواج دارد، متفاوت است. در اوایل انقلاب و هنگام رحلت روح‌الله خمینی نام «روح‌الله» در ایران و جهان رواج داشت. لذا با بررسی اسامی افراد، خیابان‌ها، شهرها، روستاها و مراکز اجتماعی و فرهنگی می‌توان رویکرد فکری مردم را در هر منطقه و در هر زمان به دست آورد. بر اساس همین تأثیرگذاری است که اهل بیت (علیهم‌السلام) برای نام‌گذاری اهمیت فراوان قائل بودند. روایات متعددی از امامان شیعه در انتخاب نام نیک برای فرزندان ذکر شده است (حر عاملی، ۱۳۸۵: ۱۵/۱۲۲، ح ۱). در بین خاندان پیامبر، نام «محمد» اهمیت بسیار دارد (همان: ۱۵/۱۲۵، ح ۱ و ص ۱۲۷، ح ۱۰). از دیگر نام‌هایی که در بین اهل بیت (علیهم‌السلام) اهمیت وافری داشت، نام «علی» است. حضرت می‌فرماید: «اگر کسی چهار فرزند پسر بیاورد و نام یکی

را «علی» نگذارد بر من جفا کرده است» (همان: ۱۲۶/۱۵، ح ۲). امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «من اگر صد پسر بیاورم دوست ندارم به جز نام «علی» بر او بگذارم» (همان: ۱۲۸/۱۵، ح ۱).
 امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به فردی که پرسید «اینکه ما نام‌های شما را بر فرزندانمان می‌نهیم برای ما سودی دارد؟»، فرمود: «آری، به خدا قسم! مگر دین چیزی جز مهرورزیدن و بغض و تنفر است؟!» (نوری، ۱۴۰۷: ۱۲۸/۱۵، روایت ۲). در روایات گذاشتن نام پیامبران بر فرزندان نیز توصیه شده است (همان: ۱۲۹/۱۵، روایت ۳ و ۱۲). پیامبر اسلام نام‌های زشتی را که بر مردان یا شهر گذاشته بودند تغییر داد (حر عاملی، ۱۳۸۵: ۱۲۴/۱۵). همچنین، برای زنده نگه داشتن نام و یاد شهیدان، بر استفاده از نام آنها در اسم‌گذاری تأکید شده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «محبوب‌ترین نام‌ها نزد من، حمزه است» (همان: ۱۵، روایت ۱۴)؛ و در پیشگاه خداوند، محبوب‌ترین نام‌ها عبدالله و عبدالرحمان (همان: ۱۲۵/۱۵، ح ۲)، و زشت‌ترین نام‌ها، حرب و مرّه است (متقی هندی، ۱۴۰۵: ۵۹۲/۱۶). تأکید بر اسم «فاطمه» و تکریم و احترام نوزادی که نامش «فاطمه» است در روایات بسیار وارد شده است (حر عاملی، ۱۳۸۵: ۱۲۹/۱۵، روایت ۱۸). از روایات استفاده می‌شود که اهل بیت (علیهم السلام) بر نام‌های ذیل تأکید، و به آن توصیه کرده‌اند: محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، عبدالله، فاطمه، عبدالرحمان، حمزه، فرد صالح آن قوم و نام پیامبران.

برای بررسی تأثیرپذیری اهالی بیهق از آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) در نام‌گذاری فرزندانشان، به عنوان جامعه الگو از چند نمونه آماری بهره بردیم. ابتدا با استفاده از کتاب تاریخ بیهق (بیهقی، ۱۳۱۷) و دانشوران خراسان (ریاضی، ۱۳۳۶) اسامی دانشمندان منطقه را به عنوان الگویی در نام‌گذاری بررسی، و آماری را تهیه کردیم. با تأمل بر اسامی و القاب از بین ۱۱۰ عالم و دانشمند منطقه بیهق در دوره زمانی قبل از صفویه نتایج ذیل حاصل شد: نام و لقب پیامبران (۱۱ نفر)؛ نام و القاب همراه با الله (۸ نفر)؛ اسامی و القاب اهل بیت (علیهم السلام) (۸۳ نفر)؛ متفرقه (۲۸ نفر)، محمد (۲۴ نفر)، احمد (۱۵ نفر)، علی (۱۵ نفر) و حسین (۵ نفر)؛ بقیه نیز بیشتر نام پیامبران یا فرزندان مجاهد ائمه و ... بوده‌اند. حدود ۵۳ درصد اسامی مربوط به توصیه‌های اهل بیت (علیهم السلام) است و حدود ۲۰ درصد از القاب نیز به اهل بیت (علیهم السلام) اختصاص دارد.

با بررسی منابع تا قبل از صفویه در منطقه خراسان، و به‌ویژه منطقه بیهق، می‌توان به برخی اطلاعات دست یافت که نشان از نام‌گذاری‌ها در راستای اندیشه‌های شیعی است. در خراسان بعد از شهادت یحیی بن زید، هفت روز برای وی عزاداری کردند. در آن سال فرزند پسری به دنیا نیامد مگر آنکه نامش را یحیی گذاشتند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۱۶/۲). مردم سبزوار به تشیع و علاقه به

تأثیر آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) بر آورده‌های زبانی مردم بیهق (سبزوار) / ۵۳

اهل بیت (علیهم‌السلام) معروف بودند. چنانچه معروف است در دوره‌ای نام ابوبکر در این شهر یافت نمی‌شد (جباری، ۱۳۸۲: ۱۳۵/۱). شعری در این باره مشهور است:

سبزوار است این جهان و مرد حق اندر او بی‌رونق است و بی‌نسق
سبزوار است این جهان بیم‌دار ما چو بوبکریم در وی خوار و زار

(بلخی، ۱۳۸۵: دفتر پنجم، بخش ۶۴۹/۴۰؛ احمدی، ۱۳۷۵: ۳۳-۳۵)

قیام سربداران که به تشکیل دولت شیعی سبزوار در این منطقه انجامید با نام‌های حسن حمزه و حسین حمزه در آغاز شکل گرفته است (اسمیت، ۱۳۶۱: ۱۱۹).

نام مکان: در بیهق نام مکان‌ها نیز برخاسته از علاقه مردم این منطقه به اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده است. ابن فندق در تاریخ بیهق تعداد روستاها در این منطقه را در قرن ششم ۳۹۵ روستا بیان کرده است (بیهقی، ۱۳۱۷: ۳۴). احمدآباد، زیدآباد، عبدالله‌آباد، حسین‌آباد، علی‌آباد، یحیی‌آباد (همان: ۳۵-۳۹) از اسامی به‌کاررفته برای بسیاری از این روستاها است.

القاب: القابی مانند دوستدارعلی، ابوترابی، و امیرشاهی از القاب رایج در منطقه به شمار می‌رفت. در ابومسلم‌نامه آمده است:

هنگامی که نصر سیار به سبزوار آمده بود و در چارسوی شهر تختگاهی زده بود، فردی به نام دوستدارعلی بود که او را محسن می‌گفتند، با یاران خود به نام‌های ابوالقاسم بن علی و طاهر سبزواری و سعید نزل‌آبادی و مسعود سرهنگ به همراه چهارصد تن سوار آمدند و دست به شمشیر زدند. نصر سیار از جای برخاست و گفت بگیرید این ابوترابی را (طرطوسی، ۱۳۸۰: ۲۶۴).

از این گزارش‌ها چنین برمی‌آید که «ابوترابی» از القابی بوده که به شیعیان داده‌اند. امیرشاهی سبزواری، از شعرای سبزوار، چون شیعه شاه ولایت بود تخلصش را «امیرشاهی» گذاشته بود. سلطان بایسنقر بعد از فهمیدن این مطلب او را از این تخلص نهی کرد و امیرشاهی نپذیرفت و همین باعث طرد وی از طرف بایسنقر شد (شوشتری، ۱۳۵۴: ۶۶۶).

بی‌گمان در نام‌گذاری‌ها عوامل متعدد تاریخی، جغرافیایی، نژادی و سیاسی دخالت دارد. اوج و حسیض نام‌گذاری‌ها از مسائلی است که می‌توان به علل و عوامل طبقاتی، ملی، تاریخی و جغرافیایی اش پرداخت (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۵). با تجزیه و طبقه‌بندی نام‌ها می‌توان به انبوهی از پرسش‌های تاریخی و فرهنگی پاسخ داد، که جز از این رهگذر راهی برای پاسخ به آنها وجود ندارد

و هیچ چیز جز داده‌های تاریخی در شکل‌گیری اش دخالت ندارد. بر اساس این‌گونه مطالعات می‌توان مرزهای جغرافیایی ایدئولوژیکی را مشخص کرد. مثلاً در دروازه رودبار طوس سه هزار «ابوبکر» نام وجود داشت، در حالی که در چندفرسخی طوس، شهر سبزوار فاقد ابوبکرنامی بود (خوافی، ۱۳۸۲: ۹۰). مطالعه در ساختار نام‌ها نشان می‌دهد که در پشت هر کدام از این نام‌گذاری‌ها چه نوع روان‌شناسی فردی و اجتماعی‌ای نهفته است. گاه در خاندانی یک نام یا مشتقاتش به صورت زنجیروار یا سلسله‌ای مشاهده می‌شود. تحقیق و ریشه‌یابی علت‌های آن می‌تواند رویکردهای مذهبی و ایدئولوژیکی خاصی را در آن خاندان نمایان کند. در واقع، می‌تواند بیانگر نوع اندیشه آن خاندان باشد. مطالعه درباره شیوع نام خاصی در یک منطقه یا در دوره تاریخی خاصی و شیوع نداشتنش در جغرافیای دیگر و زمان‌های دیگر می‌تواند مطالب مفیدی در اختیار قرار دهد. گاهی چند نسل یک نام را برای خود اختیار می‌کردند. بررسی علل آن در خور تأمل است. می‌توان عامل آن را در علل سیاسی، اجتماعی و روانی آن گروه یا منطقه جست‌وجو کرد. نقش موسیقایی حروف در ترکیب نام‌ها نیز از عوامل مؤثر در انتخاب نام‌ها است.

نوحه‌ها و مرثیه‌ها

«نوحه» نوعی از مرثیه‌های مذهبی است که با آهنگ‌های خاص در مجالس سوگواری امام حسین (علیه السلام) و همراه با مراسم سینه‌زنی خوانده می‌شود. با آنکه بیشتر مراسم مذهبی بعد از صفویه رواج یافته، اما از برخی اشعار دوره‌های قبل برمی‌آید که سرودن نوحه در قرن ششم و شاید پیش از آن به عنوان یکی از انواع شعر، معمول و متداول بوده است (میرصادقی (ذوالقدر)، ۱۳۷۳: ۲۸۷). «مرثیه» در لغت به معنای گریستن بر مرده و ذکر خوبی‌هایش، یکی از انواع شعر غنایی است که موضوعش تأسف و تأثر از مرگ فرد است. بخش مهمی از مرثیه‌های فارسی اشعاری است که در رثای اولیای دین و امامان شیعه سروده شده است (همان: ۲۳۸). «مرثیه» با «نوحه» متفاوت است. «نوحه» می‌تواند تألیف مستقلی داشته باشد و در واقع خود شغلی مستقل مانند تعزیه‌خوانی و تعزیه‌گردانی است (دبیرسیاقی، ۱۳۹۲: ۱۳).

بر اساس توصیه‌های اهل بیت (علیهم السلام)، از همان ابتدا مرثیه‌خوانی محل توجه شیعیان بود. روایات متعددی در این موضوع ذکر شده است. ابوطالب قمی می‌گوید نامه‌ای به حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) نوشتم و در آن اشعاری را درباره پدرش امام رضا (علیه السلام) سرودم و از او خواستم اجازه دهد آنها را برای مردم بخوانم. حضرت در گوشه نامه نوشت: «بسیار کار خوبی کرده‌ای. برای من و پدرم

تأثیر آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) بر آورده‌های زبانی مردم بیهق (سبزوار) / ۵۵

شعرهای حزن‌انگیز و مرثیه بخواند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۱/۲۶). امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «هر کس درباره حسین (علیه‌السلام) مدح و مرثیه بخواند و دیگران را بگریاند، بهشت برایش واجب می‌شود» (همان: ۲۸۷/۴۴). علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) به دعبل خزاعی خواندن مرثیه برای امام حسین (علیه‌السلام) را توصیه کرده‌اند (همان: ۲۸۲/۴۴).

بنا بر مشهور، در ایران نخستین کسی که در ذکر مصیبت شهدای کربلا کتاب نوشت ملاحسین واعظ کاشفی (متوفای ۹۰۶ ه.ق.) از علمای بیهق بود که کتاب روضه الشهداء یا گلزار شهیدان را به فارسی نگاشت. اما بنا بر منابعی که ملاحسین از آنها بهره برده است ادب سوگواری قبل از وی هم در آثار فارسی وجود داشته است (دائرةالمعارف تشیع: ۲۴۲/۱۵). در واقع، ادبیات عاشورا را روضه الشهداء گسترش داد. ملاحسین کاشفی با بیان زیبا و ادبیات پُر جاذبه‌ای که داشت در بین مردم جایگاه ممتازی یافت، به گونه‌ای که بر اساس نام کتابش به مجالس عزاداری تا به امروز «روضه خوانی» اطلاق می‌شود (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۳۳). در منطقه بیهق، که از همان ابتدا منطقه‌ای شیعه‌نشین بود، برای نزدیکی به اهل بیت (علیهم‌السلام) و کسب ثواب اشعار بسیاری سروده شده است، به‌ویژه که مردم بیهق به ادیب‌بودن شهره بوده‌اند.

چند قطعه نوحه‌سرایی عاشورای حسینی در بیهق سده پنجم قمری

حاکم جشمی، دانشمند معتزلی حنفی زیدی، در اواخر سده پنجم، در کتاب سفینه العلوم، چند قطعه از اشعار فارسی نقل کرده است. از مضمون و سبکش پیدا است که در مجالس حسینی در بیهق آن روزگار، که موطن نویسنده بوده، این اشعار نقل می‌شده و در این محافل مصیبت‌خوانی زمزمه می‌شده است. این کتاب هنوز به چاپ نرسیده و این اشعار از نسخه خطی کتاب نقل شده است (حاکم جشمی، ج ۲، سند شماره ۵۲۱۹-۵۲۲۰، چاپ‌نشده). این ابیات در هفت قطعه و شامل ۴۳ بیت است (جعفریان، ۱۳۹۴: ۶۲۵/۱). به دلیل قدمت و زیبایی آن قسمتی از اشعار را ذکر می‌کنیم:

از این سو عزیزان آل رسول	دل مرتضی یادگارِ بتول
حسینِ علی سرفرازِ جهان	امانِ زمین و امام زمان

چهار مدیحه‌سرا را در این دوره زمانی در سبزوار می‌توان نام برد: حاکم جشمی، ابن‌یمین فریومدی، حسن سلیمی تونی سبزواری، امیرشاهی سبزواری (دبیرسیاقی، ۱۳۹۲: ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۲۸). مرثیه‌ای از امیرشاهی چنین است:

لاله همه خون دیده بر دامن کرد
قمری نمد سیاه بر گردن کرد

در ماتم تو دهر بسی شیون کرد
گل جیب قبای ارغوانی بدرید

(عناصری، ۱۳۹۰: ۸)

اشعار

منابع ادبی، یکی از گونه‌های سودمند در مباحث تاریخ اجتماعی است. منظور از منابع ادبی در این بخش آثار ادبی و متون مکتوبی است که می‌تواند تجلی‌گاه افکار عمومی و بازتاب اندیشه‌ها و رفتارهای اجتماعی شاعر باشد. از محتوای این آثار می‌توان اطلاعات گسترده‌ای درباره خوراک، پوشاک، خودآرایی، ابنیه، مصالح ساختمانی، حرفه‌ها و مشاغل، آیین‌ها و ابعاد دیگری از زندگی اجتماعی مردم کسب کرد (الویری، ۱۳۹۸: ۲۲۵). در این پژوهش بر آنیم از بین اشعار، آنچه را برگرفته از آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده و در ناحیه بیهق قبل از صفویه سروده شده است، بررسی کنیم.

در کتاب تاریخ بیهق آمده است که هر شهری به صفتی مشهور است و بیهق را «شهر ادبا» معرفی می‌کند (بیهقی، ۱۳۱۷: ۲۸). از لحاظ سیر تاریخی رواج اندیشه اهل بیت (علیهم‌السلام)، تشیع قرن ششم تا نهم در ایران نوعی تشیع ادبی است. در این دوره معارف، داستان‌ها و فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) در قالب شعر فارسی ریخته شده است. این اشعار آئینه تمام‌نمای رواج تشیع در میان عامه مردم است. جُنک‌هایی که از این زمان بر جای مانده، چگونگی ادب شیعه در زبان فارسی را بر ما می‌نمایاند. ضمن اینکه برخی از باورهای شیعیان درباره داستان‌هایی را بیان می‌کند که در میان عامه مردم نفوذ داشته، و همین‌ها سبب رواج تشیع در میانشان بوده است. به‌ویژه اینکه در این داستان‌ها عناصر شیعی مبنای اصلی قصه‌ها بوده است (جعفریان، ۱۳۹۴: ۱۴۴۸/۲). این گستره ادب شیعی از یک سو نشانه گستره جغرافیایی شیعه از لحاظ منطقه‌ای و انسانی است و از سوی دیگر نقش این ادبیات در عامه مردم و آشنایی‌شان از این طریق با فضایل و مناقب امامان، و فرهنگ و معارف شیعی را نشان می‌دهد (همان: ۱۴۶۲/۲). در بیهق، ادبا و شعرای بسیاری هستند که در مدح علی (علیهم‌السلام) و خاندان رسالت شعر سروده‌اند. برخی از این اشعار به صورت دیوان موجود است و از برخی از آنها فقط ابیاتی بر جای مانده است. در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

۱. **علی‌نامه: حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم؛** منظومه‌ای به نام علی‌نامه در قرن پنجم و به زبان فارسی در مناقب و مغازی امام علی (علیه‌السلام) سروده شده است. نویسنده این منظومه شیعی متولد ۴۲۰ ه.ق.، این منظومه را در سال ۴۸۲ در خراسان و به احتمال قوی در ناحیه بیهق سروده و آن را به یکی از اشراف سادات بیهق، علی بن طاهر عریضی، تقدیم کرده است. تخلص شاعر «ربیع» بوده و نخستین حماسه‌سرای مغازی امام علی (علیه‌السلام) به زبان فارسی است. این منظومه به‌تثایی به عنوان منظومه‌ای بازمانده از قرن پنجم منحصر به فرد و مهم است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۹۷). به سبک شاهنامه و چند دهه بعد از آن سروده شده و نویسنده، آن را رویاروی شاهنامه قرار داده است (علی‌نامه، در: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹؛ دائرةالمعارف تشیع: ۴۵۰/۱۱). در حدود ۱۲ هزار بیت با اسلوبی کهن و نوادری از لغات و ترکیبات دارد که در آن مجموعه‌ای از عقاید شیعیان اثنا عشری انعکاس یافته است. این اثر، که در چارچوب اندیشه امامی نوشته شده، کهن‌ترین اثر منظوم در حجم وسیع است (جعفریان، ۱۳۹۴: ۶۲۰/۱). این کتاب نمایانگر نفوذ تشیع و جدی‌ترین اثر در شعر فارسی قرن پنجم است. در این اشعار داستان‌ها و افسانه‌هایی از کرامات و معجزات علی (علیه‌السلام) نیز ذکر شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۴۴۲). از ابیاتش برمی‌آید که گوینده دیوان شعری در مدح آل رسول (علیهم‌السلام) نیز داشته است.

۲. **فضل بن حسن طبرسی؛** وی یکی از مفاخر شیعه است که در کلیه علوم و فنون عقلی و نقلی و معارف اسلامی دست داشته و در هر رشته از فرهنگ و فضیلت متبحر بوده است. طبرسی در مشهد مقدس طوس زندگی می‌کرد و در ۵۲۳ از آنجا به سبزوار مهاجرت کرد. در آنجا به تدریس و تألیف مشغول بود تا سرانجام در همین شهر از دنیا رفت و جنازه‌اش را به مشهد مقدس انتقال دادند و در آنجا در مقبره قتلگاه به خاک سپردند (طبرسی، ۱۴۱۷: ۵). ابن‌فندق در کتاب وشاح بعضی از آن اشعار را آورده است.

۳. **ابن‌یمین فریومدی؛** امیر فخرالدین محمود بن امیر یمین‌الدین محمد طغرایبی، شاعر فارسی‌زبان شیعی، در حدود سال ۶۸۵ ه.ق. در قریه فریومد، از توابع سبزوار، زاده شد. ابن‌یمین شاعری متوسط و پیرو سبک انوری است. هنرش در سرودن قطعات اخلاقی و اجتماعی است که در زمره شاهکارهای ادب فارسی به شمار می‌رود و از این جهت مشهور شده است. قصایدی در ستایش ائمه (علیهم‌السلام)، به‌ویژه امام علی (علیه‌السلام) دارد و از نخستین شعرایی است که مرثیه‌هایی در سوگ شهدای کربلا سروده است. به سال ۷۶۹ ه.ق. در هشتادسالگی در همان قریه درگذشت و در مقبره پدرش مدفون شد (تفسیری، ۱۳۷۶: ۸۷/۱؛ محمدزاده، ۱۳۸۳: ۷۷۲/۲؛ مجاهدی (پروانه)، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

وی شاعر سربرداران است که ادبیات فارسی مذهب شیعه را غنا بخشید (جعفریان، ۱۳۹۴: ۱۴۲۰/۲).
علاقه به اهل بیت (علیهم السلام) و پیروی از آنان در اشعارش مشهود است. مسئله مهم امامت و پیشوایی
علی (علیه السلام) را راه شرع مصطفی می داند:

راه شرع مصطفی از مرتضی جوازکنه نیست شهر علم مصطفی را در به غیر از مرتضی

(ابن‌یمین، ۱۳۱۸: ۸؛ آذر، ۱۳۸۸: ۴۹۵)

در دیوان اشعار ابن‌یمین حکایت منظومی در قالب مثنوی وجود دارد که جریان دادخواهی
فاطمه زهرا (س) را در روز قیامت و در محکمه عدل الاهی به تصویر کشیده که از کشندگان دونور
دیدگان خود، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام)، به پیشگاه خدا شکوه می‌برد، و بار عاطفی و ماتم
خاصی دارد (ابن‌یمین، ۱۳۱۸: ۵۸۹-۵۹۰؛ مجاهدی (پروانه)، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

تردیدی نیست که شخصیت‌های شاخص شعر آیینی در سده‌های گذشته در شتاب‌بخشیدن به
روند تکاملی آن تا به امروز، سهم بوده‌اند و ابن‌یمین در زمره همین‌ها است، و شعر عاشورا که از
زیرمجموعه‌های شعر آیینی است از تأثیرگذاری این‌گونه آثار، که دارای مفاهیم ارزشی‌اند، به دور
نمانده است.

۴. ابن حیدر علی باری؛ علی بن حیدر باری، متخلص به ابن حیدر باری، سراینده قصیده‌ای
است که در آن از شهر خود سبزوار و نام خود یاد می‌کند و آن را در سال ۷۷۴ به نام خواجه علی
مؤید سربردار می‌سراید. گویا در این دوران شیعیان به شدت در معرض طعن واقع می‌شده‌اند (همان:
۲۰ و ۱۸۷).

۵. ابن حیدر سبزواری؛ یکی از شاعرانی است که در تذکره‌ها ذکر از وی نیامده است.
ابن حیدر قبل از ۸۴۲ می‌زیسته و قصیده‌ای در مدح علی (علیه السلام) سروده است (مداح، ۱۳۹۰: ۲۰ و
۱۳۹). از اشعارش برمی‌آید که شاعران سبزواری در این روزگار در معرض آزار و اذیت ناصیبان
بوده‌اند.

۶. حافظ سبزواری؛ شاعر دیگر حافظ سبزواری است؛ سراینده قصیده‌ای که در هنگام
تدوین قصیده به دست کاتب در سال ۸۴۹ زنده نبوده و از وی با دعای «علیه الرحمة والرضوان»
یاد شده است. تخلص حافظ است. نامش در تذکره‌ها نیامده اما از متن قصیده پیدا است که از
مناقب خوانان زمانش بوده است (همان: ۲۴ و ۶۶). وی در اشعارش بعد از بیان و توصیف شب
معراج رسول، آمدن پیامبر از معراج و دیدارش با علی (علیه السلام) را نیز به تصویر می‌کشد.

۷. سلیمی تونی سبزواری؛ تاج‌الدین حسن بن سلیمان تونی اصالتاً از تون و ساکن سبزوار بود. خود، در شعری وطنش را سبزواری بیان کرده است:

مولدم تون و سبزواری وطن
مسکن مؤمنان پاک‌سیر

(کاشی، ۱۳۷۷: ۲۲)

دولت‌شاه شغل وی را در اول عمرش علمداری ذکر می‌کند که در ابتدای عمر به مردم ظلم می‌کرده، سپس توبه می‌کند و لباس فقر می‌پوشد و به زیارت مکه و مراقب مکه می‌رود و از این به بعد به مدح امام علی (علیه‌السلام) و سایر ائمه (علیهم‌السلام) می‌پردازد. وی قصاید و مرثیه‌هایی در رثایشان سروده است، به گونه‌ای که گفته‌اند هیچ کس مانند او ولایت‌نامه را به نظم نیاورده است. در ۸۵۴، زمانی که در زیارت امام رضا (علیه‌السلام) در مشهد بود، از دنیا رفت و جنازه‌اش به سبزوار منتقل، و در آنجا دفن شد (طهرانی، ۱۴۰۸: ۴۶۸/۹). دولت‌شاه درباره‌اش نوشته است: «سلیمی مرد سلیم‌طبع و نیکونهاد و اهل دل بوده و در شاعری طبعی قوی داشته و در منقبت امیرالمؤمنین و یعسوب المسلمین علی (علیه‌السلام) و اولاد بزرگوار و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) قصاید غرّاً دارد» (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۳۲۹).

۸. سید شرف‌الدین رضای سبزواری؛ تخلص وی «رضا سبزواری»، از سادات عربی و از وزرای خواجه علی مؤید سربداری بود. وزیر غیاث‌الدین پیراحمد او را حبس کرد و در زمان حکومت امیر باباحسن قوچین در حدود ۸۵۶ به قتل رسید (طهرانی، ۱۴۰۸: ۵۱۳/۹؛ سمرقندی، ۱۳۶۶: ۳۴۷-۳۴۸).

۹. امیرشاهی سبزواری؛ وی از شعرای بزرگ قرن نهم هجری و خواهرزاده خواجه علی مؤید، حاکم سربداری است. در سبزواری متولد شد و مدتی از عمرش را در استرآباد گذراند. متوفای ۸۵۷ در استرآباد بود و در خانقاه اجدادش، خارج از شهر سبزواری، بر سر راه نیشابور مدفون است. در شعر، موسیقی، خط و نقاشی مهارت داشت (طهرانی، ۱۴۰۸: ۵۰۳/۹). در دیوانش مسمطی در بیان اوصاف رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه (علیهم‌السلام) آورده است (امیرشاهی سبزواری، ۱۳۴۸: ۱۰۶).

۱۰. آذری طوسی؛ شیخ فخرالدین حمزه بن علی ملک طوسی اسفراینی بیهقی (متوفای ۸۶۶ ه.ق.)، متخلص به «آذری»، از مشاهیر مشایخ و شعرای قرن نهم هجری است که بخشی از روزگارش را در هند و بیشتر آن را در ایران سپری کرد. از عنفوان شباب، شاعری را آغاز کرد و در این راه شهرتی به دست آورد (صفا، ۱۳۸۴: ۳۲۵/۴). در ۸۲ سالگی در اسفراین فوت کرد و همان جا دفن شد (همان: ۳۲۶/۴). از وی به نظم و نثر آثاری مانده است. دیوانش مشتمل است بر قصیده، غزل،

ترجیع، ترکیب، قطعه و رباعی که مجموع آنها از پنج هزار بیت درنمی‌گذرد. اثر منظوم دیگرش بهمن‌نامه است در شرح سلطنت سلاطین بهمنی دکن، که متأسفانه در دست نیست (همان: ۳۲۳/۴-۳۲۷؛ رادفر، ۱۳۸۱: ۷۹). از این عارف بزرگ در تذکره دولتشاه و منابع دیگر اشعاری ذکر شده است (مداح، ۱۳۹۰: ۱۹ و ۱۴۶؛ سمرقندی، ۱۳۶۶: ۴۵۵-۴۴۸). «مهر سپهر» عنوان شعری است که در وصف اهل بیت (علیهم‌السلام) سروده است (جوهری، ۱۳۶۶: ۱۷۱؛ رادفر، ۱۳۸۱: ۸۰). «شاه نجف» نیز عنوان شعری است که در مدح علی (علیه‌السلام) سروده است (جوهری، ۱۳۶۶: ۱۷۷-۱۷۸؛ رادفر، ۱۳۸۱: ۸۱).

۱۱. **خواجه اوحد مستوفی سبزواری**؛ وی از دانشمندان و حکمای زمان خود بود. خواجه اوحد، قصاید غزایی در مدح ائمه (علیهم‌السلام) گفته است. وفاتش در ۸۱ سالگی به سال ۸۶۸ ه.ق. اتفاق افتاد. در منقبت امام رضا (علیه‌السلام) نیز شعر سروده است (شوشتری، ۱۳۷۶: ۶۶۸/۲؛ احمدی بیرجندی و نقوی‌زاده، ۱۳۷۲: ۴۳-۴۴؛ جعفریان، ۱۳۹۴: ۱۴۲۵/۲).

۱۲. **مولانا افچنگی**؛ یکی از شاعران شیعی ناشناخته قرن نهم از روستاهای نزدیک طبس از توابع بیهق (سبزوار) است. قصاید اندکی از وی باقی مانده است. در تبدیل داستان‌های عامیانه شیعی به شعر تبهر دارد. یکی از قصایدش منظوم‌کردن داستان سلمان و امام علی (علیهم‌السلام) و دشت ارژن به سبک ولایت‌نامه است. دست‌کم سه قصیده دیگر از وی شناخته شده است (جعفریان، ۱۳۹۴: ۱۴۳۱/۲).

۱۳. **علی شهاب سبزواری**؛ وی از دیگر شعرای شیعی قرن نهم هجری و عصر تیموری است. اشعارش در ستایش امام علی (علیه‌السلام) و امامت ایشان است (تذکره عبداللطیف بیرجندی، نسخه شماره ۵۱۷، کتاب‌خانه مجلس، به نقل از: جعفریان، ۱۳۹۴: ۱۴۳۰/۲).

چند شاعر دیگر نیز که در این دوره شناخته‌شده‌اند عبارت‌اند از:

۱۴. **قطب‌الدین کیدری بیهقی (متوفای ۶۱۰)**؛ مؤلف انوار العقول من اشعار وصی الرسول (انصاری، ۱۳۹۰: ۸۵۱-۸۵۲).

۱۵. **امیر یمین‌الدین طغرای فریومدی (متوفای ۷۴۲)**؛ پدر ابن‌یمین (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۲۰۵).

۱۶. **ابوالقاسم سبزواری (سده ۹-۱۱)**؛ نویسنده ولایت‌نامه امیرالمؤمنین (علی بن احمد، ۱۳۹۸: ۳۵۷ و چهل‌وهفت):

۱۷. **خواری سبزواری**؛ اطلاع‌چندانانی از وی در دسترس نیست (همان، ۱۳۹۸: ۱۱ و پنجاه‌ویک).

از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است: «هر کس درباره ما بیت شعری بسراید روح‌القدس او را یاری می‌کند» (صدوق، ۱۳۷۸: ۷/۱، ح ۱)؛ «و خداوند خانه‌ای برایش در بهشت می‌سازد» (همان: ۷/۱، ح ۲؛ حر عاملی، ۱۳۸۵: ۴۶۷/۱۰). با توجه به تأکید اهل بیت (علیهم‌السلام) بر سرودن شعر، مرثیه و نوحه‌سرایی، شعرای بی‌هق متأثر از این آموزه‌ها، در قرون متمادی، فرهنگ و اندیشه شیعی را حفظ کرده و گسترش داده‌اند. روند تاریخی رشد اشعار شیعی در قرن هشتم و نهم در این منطقه به اوج خود رسید. از میان ۱۶ شاعر یادشده ۱۰ نفر در قرن نهم، سه نفر قرن هشتم، و سه نفر قرن هفتم و ششم می‌زیسته‌اند. حدود ۸۱ درصد هم در قرن هشتم و نهم زیسته‌اند.

اشعار بسیاری متأثر از اندیشه اهل بیت (علیهم‌السلام) در منطقه سبزوار سروده شده است. در این پژوهش به تعداد اندکی از آنها اشاره شد. این اشعار مفاهیم اعتقادی و غیراعتقادی شیعیان را در بردارد. اشاره به امامت اهل بیت (علیهم‌السلام)، به‌ویژه امام علی (علیه‌السلام)، اشاره به عصمتشان، حضورشان در قیامت و نیز شفاعت آنان، حضور امام علی (علیه‌السلام) در شب معراج، مطرح کردن راه آنان به عنوان تنها راه نجات و سعادت و راه مستقیم، توصیف حضور امام رضا (علیه‌السلام) در خاک ایران و توجه دادن به مقام علمی و نورانیت و برکات ایشان، توجه دادن به مسئله ولایت و امامت امامان دوازده‌گانه معصومان (علیهم‌السلام) از جمله مفاهیمی است که در اشعار بیان شده است. تعبیری همچون «آل عبا»، «شاه نجف»، «حیدر»، «امیر»، «بوتراب» و نامشان فراوان در اشعار به کار رفته است. در این اشعار مدح خاندان پیامبر و استقامت در راه ایشان از افتخارات شاعر شمرده شده است. محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) و تأثیرش در زندگی شیعیان و تأکید بر الگو قرار دادن آنان در کارها و سبک زندگی نیز از اموری است که در این اشعار به آن اشاره شده است.

اذان

اذان نیز یکی از مهم‌ترین شعائر و نمادهای شیعی است و از مؤلفه‌های متمایزکننده شیعیان از غیرشیعیان است، اما چون گزارشی قبل از صفویه در بی‌هق درباره این مؤلفه به دست نیامد در این تحقیق بررسی نشد.

تکیه کلام

«تکیه کلام» تعبیری است که در تکلم داخل می‌کنند بدون آنکه دارای معنا باشد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۷۷۱/۲، ذیل «تکیه کلام»). تعبیراتی مانند «یا علی» و «یا ابوالفضل» به هنگام روی دادن حادثه و «یا

حسین»، از جمله تکیه کلام‌هایی است که در میان شیعیان رواج دارد (الویری، ۱۳۹۸: ۱۸۵). شعاری را که در قیام سربداران ذکر شد، «ما سر به دار می دهیم و تن به ذلت نمی دهیم»، و به سبب آن به «سربداران» معروف شدند، می توان نمونه‌ای از این تعبیرات دانست (آژند، ۱۳۶۳: ۱۲۴). همچنین، ذکر «یا علی» که ورد همیشگی شیعیان بود (میرئی، ۱۳۴۹: ۱۷۰).

نتیجه

بررسی وضعیت اجتماعی بیهق تا قبل از صفویه، در پنج حوزه در باب آورده‌های زبانی و گزارش‌هایی که هرچند اندک در این دوران به دست آمده است، نشان می‌دهد که: در بخش نام‌ها و القاب با اینکه گزارش‌هایی از نام‌گذاری عامه مردم به دست نیامد اما با کنار هم قراردادن چند نمونه و تعمیم آن، به گسترش و شیوع نام اهل بیت (علیهم‌السلام) و نام‌های توصیه‌شده آنان در این منطقه دست یافتیم. این نام‌گذاری، مرزهای جغرافیایی بیهق را از سایر مناطق آن روز با مرزهای اعتقادی متمایز می‌کند. با انتخاب تعدادی از بزرگان و دانشمندان منطقه به عنوان شاخص در می‌یابیم که نام‌گذاری افراد در این منطقه، چه در اسم افراد یا مکان یا القاب، اغلب بر اساس سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) انتخاب شده و اسامی مد نظر اهل بیت (علیهم‌السلام) در این منطقه گسترش دارد. درباره اذان نیز متأسفانه گزارشی به دست نیامد که حاکی از تفاوت در این منطقه باشد. اما در زمینه مرثیه و اشعار اهل بیتی خوش‌بختانه منابع تقریباً غنی است. به‌علاوه، این منطقه به ادیبانش شناخته می‌شود. گسترش شعر شیعی، به‌ویژه از قرن چهارم تا نهم، در این منطقه در خور توجه است.

منابع

- آذر، امیراسماعیل (۱۳۸۸). شکوه عشق تاریخ و شعر عاشورا، تهران: سخن.
- آژند، یعقوب (۱۳۶۳). قیام شیعی سربداران، تهران: گستره.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵). الاعلاق النفیسة، ترجمه و تعلیق: حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
- ابن یمین، فخرالدین محمود (۱۳۱۸). دیوان قطعات و رباعیات، تصحیح: سعید نفیسی، تهران: مروج.
- احمدی بیرجندی، احمد؛ نقوی‌زاده، سید علی (۱۳۷۲). مدایح رضوی در شعر فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- احمدی، محمدابراهیم (۱۳۷۵). سیمای سبزوار: سرزمین سربداران، قم: نبوغ.
- اسمیت، جان ماسون (۱۳۶۱). خروج و عروج سربداران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: دانشگاه تهران.
- افسری کرمانی، عبدالرضا (۱۳۷۱). نگرشی بر مرثیه‌سرایی در ایران، تهران: اطلاعات.
- امیرشاهی سبزواری، آق‌ملک (۱۳۴۸). دیوان امیرشاهی، سعید حمیدیان، تهران: ابن‌سینا.
- انصاری، حسن (۱۳۹۰). بررسی‌های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع، مجموعه نود مقاله و یادداشت، تهران: کتاب‌خانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- بلخی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۵). مثنوی معنوی، به کوشش: سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- بیهقی (ابن‌فندق)، ابوالحسن علی بن زید (۱۳۱۷). تاریخ بیهق، به کوشش: احمد بهمنیار، تهران: فروغی.
- بیهقی، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۶). تاریخ بیهقی، مقدمه، توضیحات، تعلیقات، فهرس: منوچهر دانش‌پژوه، تهران: هیرمند.
- تفسیری، محمد (۱۳۷۶). گنجینه نیاکان، تهران: مجد.
- تهامی، غلام‌رضا (۱۳۸۵). فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جباری، محمدرضا (۱۳۸۲). سازمان وکالت و نقش آن در عصر انمه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹). راه حج، تهران: زیتون سبز.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۴). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا پایان قرن نهم، تهران: علم.
- جواهری (وجلدی)، غلام‌حسین (۱۳۶۶). علی (علیه‌السلام) در شعر و ستایش فارسی، تهران: بوعلی.
- حاکم جشمی (بی‌تا). سفینه العلوم، پنج جلدی، نسخه خطی، سند شماره ۵۲۱۹-۵۲۲۰، چاپ‌نشده.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵). وسائل الشیعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی (خواندمیر)، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۶۲). حبیب السیر، زیر نظر: محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- خوافی، مجدالدین (۱۳۸۲). روضه خلد، تصحیح: محمود فرخ، تهران: دانشگاه تهران.
- دائرةالمعارف تشیع (۱۳۹۴). تهران: حکمت.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۹۲). سوک‌نامه: مرثیه‌های منظوم، قزوین: سایه‌گستر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.

- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۱). مناقب علوی در آئینه شعر فارسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضایی برجکی، اسماعیل (۱۳۹۹). جایگاه و نقش تمدنی سادات در خراسان، از قرن چهارم تا پایان قرن نهم هجری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ریاضی، غلامرضا (۱۳۳۶). دانشوران خراسان، کتاب‌فروشی باستان، چاپ‌خانه خراسان.
- سمرقندی، امیردولتشاه (۱۳۶۶). تاریخ الشعراء، تهران: پدیده.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۹). «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، در: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۳۳، ش ۱۳۰-۱۳۱، ص ۴۲۵-۴۹۴.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹). «حماسه شیعی از قرن پنجم»، در: آئینه میراث، س ۸، ضمیمه ۲۰، ص ۹۳-۱۷۶.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵/۷/۲۶). «جامعه‌شناسی نام‌های تاریخ اسلام»، در: اطلاعات، ش ۲۳۷۵۴.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (بی‌تا). «جامعه‌شناسی نام‌های تاریخ اسلام»، در: علی‌نامه: نشریه الکترونیک درباره امام علی (علیه السلام)، در: <http://alinameh.com/entry3>
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۵۴). مجالس المؤمنین، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۶). مجالس المؤمنین، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تهران: جهان.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۴). تاریخ ادبیات ایران، تهران: فردوس.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۷). إعلام الوری باعلام الهدی، قم: آل‌البتیت (علیه السلام).
- طرطوسی، ابو طاهر بن حسن (۱۳۸۰). ابو مسلم‌نامه، تهران: قطره.
- طهرانی، آغا بزرگ (۱۴۰۸). الذریعة، قم: اسماعیلیان.
- علی بن احمد (۱۳۹۸). جنگ اشعار شیعی سده ۹-۱۱، تصحیح: اکرم اکرمی، تهران: کتاب‌خانه مجلس.
- عنصری، جابر (۱۳۹۰). جنگ تعزیه، کتاب یادداشت خیمه: مجموعه مباحث اندیشه، قم: خیمه.
- کاشی، حسن (۱۳۷۷). تاریخ محمدی، تصحیح: رسول جعفریان، قم: کتاب‌خانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
- متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام (۱۴۰۵). کنز العمال، بیروت: الرسالة.
- مجاهدی (پروانه)، محمدعلی (۱۳۸۶). کاروان شعر عاشورا: سیمای امام حسین (علیه السلام) در شعر فارسی از سده چهارم تا عصر حاضر، قم: زمزم هدایت.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۳). دانش‌نامه شعر عاشورایی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مداح، عبدالکریم (۱۳۹۰). تشیع و ولای اهل بیت (علیهم السلام) در ادب قدیم فارسی: جنگ عبدالکریم مداح مورخ ۸۴۹، به کوشش: امینه محلاتی، تهران: کتاب‌خانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲). نزهة القلوب، تهران: دنیای کتاب.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴). مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

تأثیر آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام بر آورده‌های زبانی مردم بیهق (سبزوار) / ۶۵

معین، محمد (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.

مقدسی، أبو عبد الله محمد بن أحمد (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

مقدسی، أبو عبد الله محمد بن أحمد (۱۴۱۱). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، قاهره: مدبولی.

میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت (۱۳۷۳). واژه‌نامه هنر شاعری، فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، تهران: کتاب مهناز.

میرئی، حسن (۱۳۴۹). آیین پهلوان‌نما، تهران: میهن.

نوری، حسین (۱۴۰۷). مستدرک الوسائل، قم: آل‌البتی علیهم‌السلام.

الویری، محسن (۱۳۹۸). تاریخ اجتماعی شیعیان: مفاهیم و کلیات، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

یاقوت حموی بغدادی، شهاب‌الدین ابو عبد الله (۱۴۱۰). معجم البلدان، تحقیق: فرید عبد‌العزیز الجندی، بیروت: دار الکتب العلمیة.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۹). تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.

References

- Afsari Kermani, Abd al-Reza. 1993. *Negareshi bar Marthiyeh Sarayi dar Iran (A View on Mourning in Iran)*, Tehran: Information. [in Farsi]
- Ahmadi Birjandi, Ahmad; Naghawizadeh, Seyyed Ali. 1994. *Madayeh Razawi dar Sher Farsi (Razavi Praises in Persian Poetry)*, Mashhad: Astan Quds Razavi. [in Farsi]
- Ahmadi, Mohammad Ibrahim. 1997. *Simay Sabzewar: Sarzamin Sarbedaran (View of Sabzevar: Land of Sarbadars)*, Qom: Genius. [in Farsi]
- Ali ibn Ahmad. 2020. *Jong Ashar Shi'i Sadeh 9-11 (Anthology of Shiite Poems of 9-11th Century)*, Edited by Akram Akrami, Tehran: Parliament Library. [in Farsi]
- Alwiri, Mohsen. 2020. *Tarikh Ejtemai Shiayan: Mafahim wa Koliyat (Shiite Social History: Concepts and Generalities)*, Qom: Research institute of Hawzeh and University. [in Farsi]
- Amirshahi Sabzewari, Aghmalek. 1970. *Diwan Amirshahi*, Said Hamidiyan, Tehran: Ibn Sina. [in Farsi]
- Anasari, Jaber. 2012. *Jong Taziyeh, Ketab Yaddasht Kheymeh: Majmeh Mabatheth Andisheh (Anthology of Taziyeh, Tent Notebook: A Collection of Thought Topics)*, Qom: Tent. [in Farsi]
- Ansari, Hasan. 2012. *Barresi-hay Tarikhi dar Hozeh Islam wa Tashayyo, Majmueh Nawad Maghaleh wa Yaddasht (Historical Studies in the Field of Islam and Shiism, A Collection of Ninety Articles and Notes)*, Tehran: Library of the Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly. [in Farsi]
- Azar, Amir Ismail. 2010. *Shokuh Eshgh Tarikh wa Sher Ashura (The Glory of Love of History and the Poetry of Ashura)*, Tehran: Speech. [in Farsi]
- Azhand, Yaghub. 1985. *Ghiyam Shi'i Sarbedaran (Shiite Uprising of the Sarbadars)*, Tehran: Scope. [in Farsi]
- Balkhi, Jalal al-Din Mohammad. 2007. *Mathnawi Manawi*, Prepared by Said Hamidiyan, Tehran: Ghatreh. [in Farsi]
- Beyhaghi (Ibn Fandogh), Abu al-Hasan Ali ibn Zayd. 1939. *Tarikh Beyhagh (History of Bayhaq)*, Prepared by Ahmad Bahmanyar, Tehran: Forugh. [in Farsi]
- Beyhaghi, Khajeh Abu al-Fazl Mohammad ibn Hosayn. 1998. *Tarikh Beyhaghi*

- (*History of Beyhaqi*), Foreworded, Described & Annotated by Manuchehr Daneshpajuh, Tehran: Hirmand. [in Farsi]
- Birou, Alain. 1992. *Farhang Olum Ejtemai (Social Science Culture)*, Translated by Bagher Sarukhani, Tehran: Keyhan. [in Farsi]
- Dabirsiyaghi, Mohammad. 2014. *Sugnameh: Marthiye-hay Manzum (Mourning Book: Poetic Elegies)*, Qazvin: Shadow Spreader. [in Farsi]
- Daerah al-Maaref Tashayyo (Shiite Encyclopedia)*. 2016. Tehran: Wisdom. [in Farsi]
- Dehkoda, Ali Akbar. 1995. *Loghatnameh (Dictionary)*, Tehran: University of Tehran. [in Farsi]
- Hakem Jashmi. n.d. *Safinah al-Olum (Ship of Sciences)*, Five Volumes, Codex, Document No. 5219-5220, Unpublished.
- Horr Aameli, Mohammad ibn Hasan. 1965. *Wasael al-Shiah (The Means of the Shiites)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Hoseyni (Khandemir), Ghiyath al-Din ibn Homam al-Din. 1984. *Habib al-Sayr*, Supervised by Mohammad Dabir Siyaghi, Tehran: Khayyam. [in Farsi]
- Ibn Rasteh, Ahmad ibn Omar. 1987. *Al-Alagh al-Nafisah (Precious Attachments)*, Translated & Annotated by Hoseyn Gharechanlu, Tehran: Amirkabir. [in Arabic]
- Ibn Yamin, Fakhr al-Din Mahmud. 1940. *Diwan Ghateat wa Robaiyat (Anthology of Parts and Quartets)*, Edited by Said Nafisi, Tehran: Promoter. [in Farsi]
- Jabbari, Mohammad Reza. 2004. *Sazman Wekalat wa Naghsh An dar Asr Aemmeh (Representation Organization and Its Role in the Age of Imams)*, Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. [in Farsi]
- Jafariyan, Rasul. 2011. *Rah Hajj (The Way of Hajj)*, Tehran: Green Olives. [in Farsi]
- Jafariyan, Rasul. 2016. *Tarikh Tashayyo dar Iran az Aghaz ta Payan Gharn Nohom (History of Shiism in Iran from the Beginning to the End of the Ninth Century)*, Tehran: Science. [in Farsi]
- Jawaheri (Wajdi), Gholam Hoseyn. 1988. *Ali (AS) dar Sher wa Setayesh Farsi (Ali (AS) in Persian Poetry and Praise)*, Tehran: Buali. [in Farsi]
- Kashi, Hasan. 1999. *Tarikh Mohammadi (History of Mohammad)*, Edited by Rasul Jafariyan, Qom: Specialized Library of the History of Islam and Iran. [in Farsi]
- Khafi, Majd al-Din. 2004. *Rozah Khold*, Edited by Mahmud Farrokhi, Tehran:

University of Tehran.

- Maddah, Abd al-Karim. 2012. *Tashayyo wa Welay Ahl Bayt (AS) dar Adab Ghadim Farsi: Jong Abd al-Karim Maddah Mowarrehk 849 (Shiism and the Guardianship of Ahl al-Bayt (AS) in Ancient Persian Literature: The Poetry Book of Abd al-Karim Maddah dated 849)*, Prepared by Amineh Mahallati, Tehran: Library of the Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1983. *Behar al-Anwar (Oceans of Lights)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Masudi, Ali ibn Hosayn. 1996. *Moruj al-Zahab (Meadows of Gold)*, Researched by Abu al-Ghasem Payandeh, Tehran: Scientific & Cultural. [in Arabic]
- Mir'i, Hasan. 1971. *Ayineh Pahlewan Nama (Mirror of the Hero)*, Tehran: Homeland. [in Farsi]
- Mirsadeghi (Zolghadr), Meymanet. 1995. *Wajenameh Honar Shaeri, Farhang Tafsilī Estelāhat Fan Sher wa Sabk-ha wa Maktab-hay An (Glossary of Poetic Art, Detailed Dictionary of Poetry Terms and Its Styles and Schools)*, Tehran: Mahnaz Book. [in Farsi]
- Moghaddasi, Abu Abdollah Mohammad ibn Ahmad. 1983. *Ahsan al-Taghasim fi Marefah al-Aghalim (The Best Division in the Knowledge of the Regions)*, Translated by Ali Naghi Monzawi, Tehran: Iranian Authors and Translators Company. [in Arabic]
- Moghaddasi, Abu Abdollah Mohammad ibn Ahmad. 1991. *Ahsan al-Taghasim fi Marefah al-Aghalim (The Best Division in the Knowledge of the Regions)*, Cairo: Madbouly. [in Arabic]
- Mohammadzadeh, Marziyeh. 2005. *Danesh-nameh Sher Ashurayi (Encyclopedia of Ashura Poetry)*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Farsi]
- Moin, Mohammad. 1984. *Farhang Farsi (Persian Dictionary)*, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Mojahedi (Parwaneh), Mohammad Ali. 2008. *Karwan Sher Ashura: Simay Imam Hoseyn (AS) dar Sher Farsi az Sadeh Chaharom ta Asr Hazer (The Current of Ashura Poetry: The Image of Imam Hoseyn (AS) in Persian Poetry from the Fourth Century to the Present)*, Qom: Guidance Spring. [in Farsi]
- Mostafawi Ghazwini, Hamdollah. 1984. *Nozhat al-Gholub (Illumination of Hearts)*, Tehran: Book World. [in Arabic]

- Mottaghi Hendi, Ala al-Din Ali ibn Hesam. 1985. *Kanz al-Ommal (The Treasure of Workers)*, Beirut: Al-Resalah. [in Arabic]
- Nuri, Hoseyn. 1987. *Mostadrak al-Wasael*, Qom: Al al-Bayt (AS). [in Arabic]
- Radfar, Abu al-Ghasem. 2003. *Managheb Alawi dar Ayineh Sher Farsi (Alawi Virtues in the Mirror of Persian Poetry)*, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Farsi]
- Rezayi Borjaki, Ismail. 2021. *Jaygah wa Naghsh Tamaddoni Sadat dar Khorasan, az Gharn Chaharom ta Payan Gharn Nohom (Position of the Sayyids and Their Civilizing Role in Khorasan, From the Fourth Century to the End of the Ninth Century)*, Mashhad: Islamic Research Foundation. [in Farsi]
- Riyazi, Gholam Reza. 1958. *Daneshwaran Khorasan (Scholars of Khorasan)*, Bastan Bookstore, Khorasan Printing House. [in Farsi]
- Sadugh, Abu Jafar Mohammmd ibn Ali. 1999. *Oyun Akhbar al-Reza (AS) (Selected Words of Imam Reza)*, Tehran: Jahan. [in Arabic]
- Safa, Zabihollah. 2005. *Tarikh Adabiyat Iran (History of Iranian Literature)*, Tehran: Ferdos. [in Farsi]
- Samarghandi, Amir Dolatshah. 1988. *Tarikh al-Shoara (History of Poets)*, Tehran: Phenomenon. [in Arabic]
- Shafi'i Kadkani, Mohamm Reza. 2001. "Hamase-yi Shi'i az Gharn Panjom (Shiite Epic from the Fifth Century)", in: *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, yr. 33, no. 130-131, pp. 425-494. [in Farsi]
- Shafi'i Kadkani, Mohamm Reza. 2006/10/18. "Jame-shenasi Nam-hay Tarikh Islam (Sociology of the Names of the History of Islam)", in: *Information*, no. 23754. [in Farsi]
- Shafi'i Kadkani, Mohamm Reza. 2011. "Hamase-yi Shi'i az Gharn Panjom (Shiite Epic from the Fifth Century)", in: *Mirror of Heritage*, yr. 8, Appendix 20, pp. 93-176. [in Farsi]
- Shafi'i Kadkani, Mohamm Reza. n.d. "Jame-shenasi Nam-hay Tarikh Islam (Sociology of the Names of the History of Islam)", in: *Ali's Story: Electronic Journal about Imam Ali (AS)*, in: <http://alinameh.com/entry3>
- Shushtari, Ghazi Nurollah. 1975. *Majales al-Momenin (Circles of the Faithful)*, Tehran: Islamiyah Bookstore.
- Shushtari, Ghazi Nurollah. 1997. *Majales al-Momenin (Circles of the Faithful)*,

Tehran: Islamiyah Bookstore.

Smith, John Mason. 1983. *Khoruj wa Oruj Sarbedaran (The Departure and Rise of the Leaders)*, Translated by Yaghub Azhand, Tehran: University of Tehran. [in Farsi]

Tabarsi, Abu Ali Fazl ibn Hasan. 1996. *Elam al-Wara be Alam al-Hoda*, Qom: Al al-Bayt Foundation. [in Arabic]

Tafsiri, Mohammad. 1998. *Ganjineh Niyakan (Ancestor Treasure)*, Tehran: Majd. [in Farsi]

Tahami, Gholam Reza. 2007. *Farhang Alam Tarikh Islam (A Dictionary of the Well-known Figures in History of Islam)*, Tehran: Publishing Joint Stock Company. [in Farsi]

Tartusi, Abu Taher ibn Hasan. 2002. *Abu Moslem Nameh*, Tehran: Ghatreh. [in Farsi]

Tehrani, Agha Bozorg. 1988. *Al-Zariah*, Qom: Ismailiyan. [in Arabic]

Yaghubi, ahmad ibn abi Yaghub. 1960. *Tarikh Yaghubi*, Beirut: Sader House. [in Arabic]

Yaghut Hemawi Baghdadi, Shahab al-Din Abu Abdollah. 1990. *Mojam al-Boldan (Dictionary of Countries)*, Researched by Farid Abd al-Aziz al-Jondi, Beirut: Islamic Books House. [in Farsi]